

در ستایش از صندوق شیکسته پیکسته



عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار

شناسنامه‌ام را باید عوض کنم، نه به دلیل کهنگی و فرسودگی اش، بلکه بیشتر به این خاطر که دیگر جایی برای مهر انتخابات ندارد. بسکه رای داده‌ام. حتی در انتخابات شورایی محلات هم شرکت کرده‌ام. اصلاً هر جا که فکر می‌کردم می‌توانم رأی بدهم رأی داده‌ام. به جز در دو انتخابات قبلی که در ذهنم آن را به عنوان انتخابات قبول نداشتم. انتخابات سیاسی در همه جای دنیا یک معنی مشخص و معین دارد. یعنی نمایندگان گفتمان‌های کلان سیاسی به عنوان نامزد حضور داشته باشند و تو به عنوان یک شهروند بتوانی از میان آن‌ها یکی را که به سلیقه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌ات نزدیک‌تر است انتخاب کنی. این امکان به نظرم در دو انتخابات قبلی وجود نداشت، بنابراین شرکت نکردم. تله دم هم به شدت ناراحت بودم چرا که معتقدم قهر با صندوق رأی دو معنی بیشتر ندارد؛ انفعال و براندازی. بی تعارف، با آن اولی که هیچ وقت سر سازگاری نداشتیم و برای دومی هم چیزهایی لازم بود که من فاقد آن‌ها بودم. خدا خدا می‌کردم آن‌هایی که صحنه را به گونه‌ای آراسته بودند تا کمترین میزان مشارکت در تاریخ سیاسی این سرزمین رقم بخورد هر چه زودتر سر عقل بیایند و به گونه‌ای عمل کنند تا بار دیگر مردم فکر نکنند می‌توانند حرفی برای گفتن داشته باشند. پادش بخیر صادق زیباکلام که در فیلم تبلیغاتی حسن روحانی جلوی دوربین حاضر شد و گفت: من هنوز هم به این «صندوق شیکسته پیکسته» امیدوارم. منظور زیباکلام از تعبیر صندوق شیکسته پیکسته، صندوقی بود که اگر چه همه آرزوهای یک فرد معتقد به دموکراسی را برآورده نمی‌کرد، اما از هیچی بهتر بود و دست کم می‌توانست روزنه‌ای باشد برای مردمی که روزی روزگاری قرار بود ولی نعمت مسئولان این مملکت باشند اما حالا برایشان فقط همین صندوق باقی بود؛ صندوقی که اگر چه به تمامی مطلوب نبود اما تنها جایی بود که مردم می‌توانستند خودشان را نشان بدهند و از طریق آن با حاکمان‌شان سخن بگویند. تنها جایی بود که مردم می‌توانستند آنجا بگویند چه می‌خواهند یا حداقل بگویند چه نمی‌خواهند. بعدها البته روز و روزگار به گونه‌ای رقم خورد که آقای زیباکلام از همان حضور تبلیغاتی پشیمان شد و گفت، بابت اینکه مردم را به رأی دادن دعوت کرده‌ام پشیمانم. نمی‌دانم او اگر امروز در حبس نبود درباره انتخابات این دوره، چه می‌گفت، اما به شخصه فکر می‌کنم طراحان دو انتخابات قبلی از مشارکت پایین در آن دو دوره خوب فهمیده‌اند که نمی‌توان بدون حضور نمایندگان گفتمان‌های کلان، سیاسی چیزی به نام انتخابات برگزار کرد و بعدهم توقع داشت حضور پرشور مردم به حماسه ختم شود. همه ما در این سال‌ها خوب آموخته‌ایم که سیاست ساحت کمال گرایی نیست و شاید به همین دلیل از ساعتی که تعداد کاندیداهای تأیید صلاحیت اعلام شده، در میان فعالان سیاسی و نخبگان فرهنگی شوری برپا شده است. خیلی‌ها از احتمال وقوع دوم‌خردادی دیگر سخن می‌گویند اما همان‌ها که این واقعه را پیشگویی می‌کنند بلافاصله می‌گویند: اگر مردم پای صندوق بیایند. حقیقت این است که اتفاقات سال‌های اخیر که همگی از آن‌ها باخبریم، و کتمان آن هیچ دردی را از هیچ‌کس دوا نمی‌کند، به علاوه دو انتخابات به شدت بد اخیر که کتمان بد بودن‌شان نشان از غفلت مضاعف دارد، باعث شده که دیگر مردم به معنای اکثریت نفوس یک جامعه به صندوق رأی امید چندانی نداشته باشند. صندوقی که تازه ۱۰۲-۱۳۰ سال پیش از آن با عنوان صندوق شیکسته پیکسته تعبیر می‌شد و امروز نمی‌دانم به آن چه باید گفت، قرار است چه دردی از درد‌های بی‌شمار این مردم زخم‌خورده را دوا کند؟ علاوه بر این‌ها حضور مردم در پای صندوق‌های رأی صرفاً به عملکرد شورای نگهبان بستگی ندارد. دموکراسی، آزادی، حق مشارکت مردم و مفاهیمی از این دست فقط به صندوق رأی خلاصه نمی‌شود. مردم باید حقیقتاً حس کنند که مورد تکریم و احترامند. نه فقط در چند روزه مانده به انتخابات؛ همیشه و در همه جا. در آلام انتخابات و غیر انتخابات و در فضای یادگارتی و کلاستر و مدرسه و بیمارستان و کوچه و خیابان. اگر مردم حس کنند که نگاه‌های تبعیض آمیز و یکسان‌ساز از روی آن‌ها برداشته شده و به عنوان یک ایرانی دارای احترام و حقوق هستند، دیگر نیازی به تبلیغ و شعار هم نیست. دیگر نمی‌خواهد از خدا و پیغمبر و خون شهدا و تمامیت ارضی و این حرف‌ها مایه بگذارد تا آن‌ها را پای صندوق رأی بکشانید. آن‌ها بهتر از هر کس دیگری صلاح و خیر خود را تمیز خواهند داد. شما هم بهتر است به جای شعار کمی در رفتار و گفتار خود تأمل کنید.

عکس: محمد آقایی‌نر

۱۶ ساعت ۲۴
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عیدی و احمدزیدآبادی، سردبیر: محمدجوادروح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، شبنم رحمتی (معاون آنلاین)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشرگستر امروزین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



خیانت یا ضعف فنی؟

انصراف ملی پوشان والیبال، ناکامی در لیگ ملت‌ها و اخراج عجیب سرمربی برزیلی در گفت‌وگو با مصطفی شجاعی

چندین بازیکن جوان تیم ملی در همین مسابقات در دور سوم هم تمایل نداشتند برای تیم ملی به میدان بروند. بازیکن جوانی که باید آرزویش باشد که در چنین رقابت‌هایی پیراهن تیم ملی را بر تن کند. ما نباید بر خورد چکشی داشته باشیم چون با این رویکرد حذفی، مسئله حل نمی‌شود». مصطفی شجاعی، دستیار خولیوولاسکور در تیم ملی ایران در خصوص برخی ناملایمات باستانگران تیم ملی نیز گفت: «متأسفانه برخی نگاه‌های عجیب نیز باعث شده برخی ستاره‌ها در تیم ملی حضور نداشته باشند. چندی پیش شنیدم که دلیل خط خوردن یا عدم دعوت از صابر کاظمی، فطرس پاسور ایرانی تیم باشگاهی الکویت، حضور او در لیگ کویت است. شاید این بازیکن مشکل مالی داشته که به لیگ کویت رفته. ما نباید با برخوردها و نگاه‌های شخصی، بازیکنان را از اردوی تیم ملی دور کنیم. کاظمی عملکرد خوبی در لیگ کویت داشته و می‌توانست کمک‌حال تیم ملی در روزهای سخت باشد.»

▲ از سعید معروف آغاز شد

بسیاری بر این عقیده هستند که برخورد نامناسب و بی‌تفاوتی فدراسیون والیبال با سعید معروف نسبت به خدا حافظی او، ستارگان تیم ملی را بی‌انگیزه کرده که وقتی با معروف چنین برخوردی می‌شود با آنها قطعاً برخورد بدتری خواهد شد. مهدی مهدوی، پاسور سابق تیم ملی با حضور در یک برنامه تلویزیونی به این موضوع اشاره کرد که در فدراسیون والیبال برخورد صحیحی با معروف نشده و همین مسئله باعث شده باستانگران ملی دلزده شوند. مصطفی شجاعی در این باره گفت: «وقتی مهدی مهدوی چنین موضوعی را مطرح می‌کند قطعاً نقد صحیحی است. او سال‌ها با بازیکنانی چون سعید معروف زندگی کرده و این نگاه‌ها را به خوبی و از نزدیک لمس کرده است. وقتی به بازیکنان بزرگ تیم احترام نمی‌گذاریم، وقتی ستاره‌های نه چندان دور والیبال، دیگر حتی به آکادمی و فدراسیون نمی‌آیند یعنی دلخوری وجود دارد. الان من مصطفی شجاعی که پا به سن نگذاشته‌ام، ولی بسیاری از افراد فعلی را نمی‌شناسم؛ چون آنها والیبالی نیستند. الان به نظر من باید از تصمیمات خلق الساعه و احساسی دست بکشیم. الان تمام والیبالی‌ها سرخورده و ناراحت هستند و باید جلسات فنی بگذارند و با حضور کارشناسان بررسی کنند چرا والیبال ایران از سطح یک در حال تبدیل شدن به تیم سطح دو دنیاست. ما شاهد افت موشکی هستیم. رنگ ایران سال گذشته دهم دنیا بود ولی در حال حاضر بعد از شکست به ترکیه، به رتبه هفدهم سقوط کردیم. بلژیک و اوکراین اصلاً در لیگ ملت‌ها نیستند ولی از ایران در جدول جهانی پیشی گرفتند چون ایران در حال کسب امتیازهای منفی است. اگر ایران از رنگ هفدهم پایین‌تر برود دیگر نمی‌تواند در لیگ جهانی شرکت کند و یک فاجعه تاریخی رخ خواهد داد. فقط سال آینده این شانس را داریم که در لیگ جهانی سال آینده شرکت کنیم چون قرار است به جای ۱۶ تیم، با ۱۸ تیم این مسابقات برگزار شود.»

▼ بی‌احترامی سرمربی خارجی به بازیکنان ایران

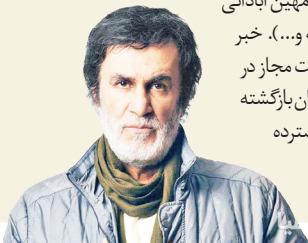
پانز در گفت‌وگو با میزان در خصوص برخی اختلافات با اعضای کادر فنی و فدراسیون گفت: «اختلاف که نه، اما قطعاً در برخی موارد نظرات متفاوتی داشتیم. اختلاف‌ها باید به سازندگی تیم ختم بشود، اما متأسفانه مشکل اصلی مسئولان فدراسیون این بود که به جای بررسی دلایل عدم موفقیت همیشه دنبال مقصر هستند. با این‌گرش نداشتن پیشرفت حاصل نخواهد شد بلکه فقط صورت مسئله را پاک می‌کنند و مشکلات ریشه‌ای نمی‌شوند و هیچ چیز تغییر نخواهد کرد.» همچنین سرمربی سابق تیم ملی نیز گفت، بازیکنان ایران تاکتیک‌پذیر نبودند و در بسیاری از مسائل مشکلات فنی وجود داشت. مهدی مهدوی به انتقاد از سرمربی سابق تیم ملی در یک مصاحبه تلویزیونی پرداخت و گفت: «مربی تیم ملی اصلاً حق ندارد این چنین در مورد بازیکنان صحبت کند. او آمد که این مشکلات را حل کند، نه اینکه علیه بازیکنان به صورت رسمی مصاحبه کند.» مصطفی شجاعی نیز در خصوص این موضوع گفت: «انتخاب مربی چند هفته‌مانده به شروع مسابقات لیگ ملت‌ها کاملاً اشتباه بود و مشخص است مربی نمی‌تواند در این فاصله کوتاه کاری کند.»



چهره

در سوگ مرد تنهای شب

حبیب‌محبیان، خواننده، نوازنده و ترانه‌سرای شناخته‌شده پس از گذران فراز و فرودهای بسیار در پایان عمر، ۲۱ خردادماه ۱۳۹۵ در ۶۳ سالگی به دلیل ایست قلبی در روستای نیاسته کنالم رامسر درگذشت. حبیب‌محبیان، خواننده متفاوتی بود؛ چه در خلق و اجرا، چه در انتخاب آثار. او فعالیت رسمی هنری خود را در اواسط دهه ۵۰ آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ با آلبوم «مرد تنهای شب» به شهرت رسید. نگاهی به کارنامه هنری او در زمینه انتخاب شعر و ترانه، طیف گسترده‌ای از سبک‌ها و همکاری با شاعران و ترانه‌سرایان متعدد را نشان می‌دهد. از ترانه‌هایی که خودش سرود، مثل «شهلاي من» تا همکاری با ترانه‌سرایان پیشکسوت و شناخته‌شده موسیقی پاپ همچون کریم محمودی (خواب سرخ بوسه‌ها)، مسعود فردمنش (فصل عشق، هرگز)، لیلا کسری (هم‌راز، قصه مهربونی و...) پاکسیما زکری‌پور (۱۰ ترانه در آلبوم جوونی-۱۳۸۳) و مهین آبادانی (اشاره، لحظه، هوای گریه و...)، خبر درگذشت او که با امید فعالیت مجاز در عرصه موسیقی از آمریکا به ایران بازگشته بود، در زمان خود به‌شکلی گسترده در رسانه‌ها بازتاب یافت.



کتابخانه

کاوش الگوی حکمرانی در سنت پیامبر (ص)

کتاب «پیامبری و قرارداد (نظریه‌ای درباره سیره حکمرانی پیامبر اسلام(ص) براساس الگوی قرارداد)»، درس‌گفتارهایی از داود فی‌رحی، با تنظیم و تحقیق اکبر محمدی در ۴۴۰ صفحه با قیمت ۳۸۰ هزار تومان توسط انتشارات نی منتشر شد. در طرح‌نامه فی‌رحی برای تألیف کتاب «پیامبری و قرارداد» آمده است: «تحلیل ماهیت دولت پیامبر(ص) اهمیت زیادی برای نواندیشی دینی، تجدید سیاسی و اصلاح نهاد دولت در ایران و دیگر جوامع اسلامی دارد اما اکثر دولت‌پژوهی‌ها در جهان اسلام، بی‌آن که به سیره حکمرانی پیامبر اکرم(ص) توجه نمایند، به سنت خلفای راشدین یا اندیشه‌های کلامی شیعه ارجاع می‌دهند و ماجرای سقیفه و سنت سیاسی مبتنی بر این واقعه را مرجع ارزیابی دولت قرار می‌دهند. بدین‌سان، ماهیت دولت پیامبر و سیره حکمرانی ۱۰ ساله او مورد «غفلت سیستماتیک» قرار گرفته است. مطالعات چندساله در حوزه «سیره سیاسی پیامبر اسلام» نشان می‌دهد که این شیوه حکمرانی به‌طور بنیادی بر الگوی قرارداد استوار است. قراردادهای پیمان‌های موجود از پیامبر اسلام، چنان تعدد و تواتر دارند که دولت آن حضرت را می‌توان «دولت قراردادی» نامید. این پژوهش به کاوش در این اسناد و الگوی حکمرانی در سنت پیامبر می‌پردازد.»

پیامبری و قرارداد

نویسنده:

داود فی‌رحی

تنظیم و تحقیق:

اکبر محمدی

انتشارات: نی



تاریخ

رایگان شدن تحصیلات دانشگاهی در ایران



۲۱ خردادماه سال ۱۳۳۵ هجری شمسی دولت وقت به نخست‌وزیری حسین علاء اعلام کرد که از سال تحصیلی آینده، تحصیل در دانشگاه تهران رایگان خواهد بود و از دانشجویان پولی دریافت

نخواهد شد. بعدتر که ایران دارای دانشگاه‌های متعدد شد، تحصیل در همه دانشگاه‌های دولتی رایگان بود و از اواسط دهه ۱۳۵۰، مؤسسات غیردولتی آموزش عالی هم از دریافت شهریه و هرگونه پول دیگر از دانشجویان منع شدند و از همان سال پرداخت کمک هزینه به دانشجویان نیز آغاز شد. از شهرپروماه ۱۳۵۳ مدارس غیردولتی دوران تعلیمات عمومی (دبستان و دبیرستان) منحل شد و کارکنانشان به استخدام دولت درآمدند و تحصیل کاملاً رایگان در سطح دبستان، دوره راهنمایی و دبیرستان نیز تعمیم یافت. پنج دبیرستان دولتی تهران هم که قبلاً به‌طور آزمایشی غیرانتفاعی اعلام شده بود، رایگان شد. برای تداوم این رایگان و یکنواخت بودن تحصیل، اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصویب شد و رایگان بودن تحصیل را تضمین کرد، ولی از دهه ۱۳۷۰ ایجاد مدارس غیردولتی و پولی بودن مدارس در سطح تحصیلات عمومی (دبستان و دبیرستان) از سر گرفته شد.